نگاهی تحلیلی به ورود سینماگران و هنرمندان به ناآرامی‌های اخیر

مک‌کارتیسم تحریم و فرصت‌های پیش رو

محمدامین نوروزی/ پژوهشگر سینما- در دوره جنگ سرد که دنیا در دوقطبی شوروی و امریکا بسر می‌برد، سناتور جوزف مک‌کارتی مدعی شد که در ایالات متحده تعداد زیادی کمونیست وجود دارد بخصوص که آنها در فضای هنر و سینمای هالیوود قرار دارند و می‌بایست فضای فرهنگی امریکا از وجود خطرناک آنها پاک شود. از اینجا به بعد در یک دوره چهارساله و برگزاری دادگاه‌های تفتیش عقاید متعدد، متهمان در دادگاه‌ها حاضر می‌شدند و با کوچکترین نشانه‌ها و بیان که آنها ضدمنافع ملی امریکا و همسو با شوروی به‌دست می‌آوردند، وارد لیست سیاه هالیوود و ممنوع‌الکاری می‌شدند.

با اینکه به این جنبش انتقادات فراوانی وجود داشت و کلید واژه «مک‌کارتیسم» قرین با مفهوم اختناق و سیاهی و تفتیش عقاید معنا پیدا کرد؛ اما کمپانی‌های هالیوودی به رأی دادگاه‌ها احترام می‌گذاشت و به دور از اختلاف‌نظرها، کاملاً همسو با منافع ملی کشورش همراهی می‌کرد.چه می‌شود که در کشورهای توسعه‌یافته هنرمندان با وجود بحران‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی که سال‌های گذشته شاهد آن در ممالک مختلف بودیم، همراهی و حمایت معناداری با معترضان نمی‌کنند. برای مثال در جنبش جلیقه زردها در فرانسه یا جنبش وال‌استریت در امریکا با اینکه رسانه‌های غربی سعی در بایکوت کردن آن داشتند، اما خشونت بی‌حد و حصر پلیس در مواجهه با معترضان که در شبکه‌های اجتماعی انعکاس پیدا می‌کرد و کشته‌ها و زخمی‌های فراوانی که در این خصوص وجود دارد. اما هنرمندان آن کشور در راستای حمایت از این مردم مورد ظلم واقع شده، توئیت یا اظهارنظر همسو با مردم معترض انجام ندادند؟

آنچه در کشورهای سرمایه‌سالار یک رابطه دوسویه و کاملاً وابسته بین حاکمیت و هنرمندان وجود دارد بخشی از بدنه سرمایه‌داری قدرت دوره‌ای در دست می‌گیرد و کاملاً متوجه هستند که یک رابطه دوسویه و بازی برد - برد است. اگر بخواهد قدرت مرکزی و منافع ملی تضعیف شود، منافع شخصی آنها نیز تضعیف می‌شود؛ خصوصاً آنکه یک منافع کوچک و محدود نیست، بلکه این کارتل‌های اقتصادی و سرمایه‌داری هستند که قدرت را شکل می‌دهند. از طرف دیگر هنرمندان کاملاً در اختیار کمپانی‌ها و قوانین بسیار دقیق مالیاتی و عملکرد اجتماعی قرار دارند، که اگر بخواهند از آنها سرباز بزنند، علاوه بر بیکاری و بایکوت شدن، خسارت‌های مالی و کاری سنگینی را می‌بایست پرداخت کنند. از این رو در این جنبش‌های اعتراضی هیچگونه اعلام نظر علیه رویکرد سرمایه‌سالارانه که پیوند خورده با منافع ملی است، مشاهده نمی‌کنیم.

اما آنچه در ایران می‌گذرد، کاملاً بالعکس است. ساختارهای تو در توی فرهنگی و نبود قوانین و نبود مدیرانی که سال‌های سال با تجربه و تخصص بر مسند امور نشسته باشند و بتوانند امورات را مبتنی بر منافع ملی و مردمی پیش ببرند. بعضاً شاهد هستیم بین ارگان‌های دولتی برای تصاحب یک بازیگر، حراجی غیررسمی برگزار می‌شود و یک بازیگر با کمی بازی می‌تواند توقعات و دستمزد خود را بالا و بالاتر ببرد.مدیرانی که نهایتاً هر ۳-۴ سال یکبار تغییر می‌کنند. به‌واسطه این تغییرات زیاد، آنها حتی با مدیران میانی و نیروهای خود نمی‌توانند همفکر و هم‌مسیر بشوند، وای به حال اینکه بخواهند با بدنه هنرمندان رابطه تأثیرگذار و بلندمدت داشته باشند. عموماً بیشتر فعالیت‌های شغلی آنها واکنشی به اتفاقات روز است و در پی رتق و فتق امور جزئی هستند و به جای اینکه آینده را مدیریت کنند، مدیریت می‌شوند.

نبود راهبردهای بلند برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب و مهم‌تر افرادی که بتوانند آن را با اختیارات لازم اجرایی کنند اگر درگیر تخریب‌های خودی و غیرخودی نباشند، مشکل برداشته نشدن و جابه‌جایی از مسئولیت را نداشته باشند، ساختارها و تشکیلات موازی بگذارند کار را پیش ببرند و به جای تقابل و رقابت به فکر همسویی و هم‌افزایی باشند و از طرفی درگیر امورات جزئی روزمره نباشند، باز نیاز به یک صبر و حوصله حدوداً ۱۰ساله برای به ثمر نشستن راهبردها دارد. اتفاقی که غیر از دهه شصت برای مدیران سینمایی آن وقت که توانستند مسیر سینمای ایران را به سمت این سینمای اجتماعی تاریک و ناامید و روشنفکری جشنواره پسند بکشانند، برای هیچ دوره مدیریتی دیگری رخ نداده است.

ایران به‌واسطه ساختارهای موازی، پریشان، پراکنده و متفرق بسیار ضعیف فرهنگی و هنری و از طرف دیگر نبود قوانین و نبود مدیران متخصص که بتواند طولانی‌مدت از آنها حمایت کند، در شرایطی قرار می‌گیرد که هنرمند بیش و بهتر از همه متوجه شرایط نابسامان می‌شود و به فکر منافع خود خواهد رفت و این منافع در نسبت با مردم و دین و نظام، بلکه در نسبت با منافع ارزشی و مادی غربی تعریف می‌شود. شخصیت‌های برجسته سینمای ایران نه در نسبت با مردم بلکه در نسبت با جشنواره ها و جوایز و ارزش‌های غربی سنجیده می‌شوند.

حال اتفاقات چند ماه گذشته باعث شده برخی از اظهارنظرهای بی‌پروا که بعضاً همراه با بی‌اخلاقی و حمایت از درگیری و بسط خشونت انجامیده است. به‌نظرم فرصت بسیار مناسبی است برای اینکه به سپهر فرهنگی و هنری ایران دقت شود و از ارزیابی تهدیدهای امروز در پی یافتن فرصتی برای آینده باشیم. در دیدگاه استراتژیست‌ها هرجا که تهدیدی است، فرصت نیز است. هر چقدر به دل خطر نزدیک‌تر می‌شوید، نیروی امید و رهایی بخش نیز آنجا حضور دارد، مهم این است که تهدید را با فرصت جابه‌جا کنید و به نظر نگارنده ایران دقیقاً در چنین وضعیتی قرار دارد.مدیریت فرهنگی ایران هیچگاه نمی‌توانست به یک شناخت و ارزیابی دقیقی که الان به‌واسطه اظهارنظرها و رفتارهای مختلفی که پیش آمده از عرصه فرهنگ و هنر این کشور بدست بیاورد. لذا از بی‌اخلاقی‌ها، تندروی‌ها، تهدیدها، تحریم‌ها و... نه تنها ناراحت نیستم، بلکه خوشحال نیز می‌شوم. آدم‌ها در چنین مواقعی ذات خود را نشان می‌دهند، امری که شاید می‌بایست قبل از این به سختی و کلی اما و اگر متهم شدن به بدبینی و سوءظن و... به‌دست می‌آمد. فقط کافی است اندکی صبر کرد و متانت به خرج داد و به جای درگیر شدن با حواشی و تهدیدهای موجود در سکوت زمینه‌ساز بروز فرصت‌های جدید و ورود هوای تازه باشند.

ایران سال‌هاست در سینمایش سیاه و عزادار است. سال‌هاست رنگ ناامیدی و درجا زدن و عصیان و اعتراضات اجتماعی دارد و این ربطی به اتفاقات و ماجراهای اخیر اصلاً ندارد. سال‌هاست به جای پیشروی و مبارزه با مشکلات و کمبودها؛ شرایط اعتراض و ناامیدی را بسط داده است. حال صریح و شفاف برخی مواضع روشن شده و این بسیار ارزشمند و غنیمت است؛ خصوصاً اینکه آنها که ضدیت و تقابل و رویکرد سیاه به شرایط فعلی داشتند، حال به صورت رسمی می‌خواهند که جشنواره فجر و فیلم‌ساختن و... را تحریم کنند، نمی‌خواهم بگویم باید از وضعیت اینان خوشحال شد، اما حالا بهترین فرصت است که مدیران متوجه باشند با چنین شرایطی به یک ایران قوی و بالنده مبتنی برنگاه انقلاب اسلامی نمی‌توان دست یافت؛ به جای درگیر شدن بیش از حد با این امورات می‌بایست متخصصین (تأکید روی کلمه متخصص دارم و بخاطر همین زودتر از متعهد آورده‌ام و ما در این سالها هرچقدر خوردیم از مدیران خوب متعهد غیرمتخصص بود) و متعهدین، سریع تر جوانان متخصص آینده‌دار علاقه‌مند به ایران و اسلام را وارد عرصه و میدان کنند که جایگزین این نگاه تاریک فعلی شوند.

نظام هیچ گاه به دلایل ساختاری و اخلاقی و... نمی‌توانست با یک رویکرد مک‌کارتیسمی یک لیست سیاه دقیق از معارضین و مخالفین و... خود تهیه کند. (البته سخت‌گیری یا ساده‌انگاری یا حب و بغض نباید باعث شود، معترضین را با معارضین و مخالفین جمع کرد و لیست را بلندتر کرد.) حال اینکه این لیست توسط خود آنها تشکیل شده است و در شرایطی که مشکلات اقتصادی و کاستی‌ها در جامعه وجود دارد اما در پی مخالفت با ولایت فقیه و اغراض سیاسی هدایت شده دیگری هستند.

به جای کارهای سلبی، در این زمان می‌بایست بیشتر کار ایجابی کرد. باید با عزم و ایجاد فرصت و برنامه‌ریزی دقیق‌تر، نیروهای جدید را کشف و پرورش داد. به جای اینکه کمتر از ۱۰-۲۰ درصد تولیدات سینمای ایران اختصاص به فیلم اولی‌ها داشته باشد، می‌بایست بیش از ۵۰- ۶۰درصد تولیدات برای آنها باشد، تا افراد مستعد و توانمند شناسایی شوند و دوباره همان‌ها فیلم جدید بسازند، تا حداقل در آینده سینمای ایران امیدواری و رویکرد مقابله با مشکلات شکل بگیرد. نگارنده معتقد است اگر این شرایط نابرابر و رانتی که مجموعه‌ای از عوامل ازجمله جشنواره‌های داخلی و خارجی برای یکسری از فیلمسازان که دائماً در رانت و سوبسید و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم رشد کرده‌اند، کمتر بشود و در اختیار نسل جوان قرار بگیرد، بسیار سینمای بالنده، همسو با مردم و منافع ملی شکل می‌گیرد. عملکرد جشنواره فجر در این بین می‌تواند خیلی نقش کلیدی داشته باشد که در مطلب بعدی بدان خواهم پرداخت. ان‌شاءالله

شهلا پناهی به «ایران» از اهمیت ساخت آثاری با محوریت فرماندهان جنگ گفته است

تنها کافی است قهرمان ایرانی را خوب معرفی کنیم

فرهنگی/ شهلا پناهی از نویسندگان نام آشنای حوزه دفاع مقدس و مقاومت است که تاکنون ۱۱ عنوان کتاب از او در این باره منتشر شده است. کتاب‌هایی مثل «چشمان یعقوب»، «تیه دا»، «چمروش»، «رفیق مثل رسول»، «حلب، خان طومان، پلاک ۲۵» و «ماه کامل» از جمله آثار این نویسنده توانای کشور است. سبک نگارش او مستندنگاری است و به همین دلیل تحقیقات میدانی کتاب‌هایش را هم خودش انجام می‌دهد. این نویسنده چندی است مشغول پژوهش و نگارش کتابی درباره شهید ابومهدی المهندس است. همزمان با بازگشت او از عراق و پایان سفر پژوهشی‌اش، درباره شهید محمد بروجردی و ضرورت و اهمیت ساخت آثاری با محوریت قصه زندگی فرماندهان بزرگ دفاع مقدس گفت‌وگو کردیم. این گفت‌وگو به بهانه تولید فیلم «غریب» محصول سازمان اوج، به کارگردانی محمد حسین لطیفی از فیلم‌های متقاضی حضور در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر انجام شده است. فیلم، شمایلی از احوالات باطنی، سبک زندگی و شیوه فرماندهی شهید بروجردی با نگاهی به دوره‌ای کوتاه از زندگی و تلاش او برای ایجاد اتحاد در غرب کشور است.

■ همان طور که می‌دانید بالاخره طلسم ساخت فیلمی درباره شهید بروجردی با پروژه «غریب» شکسته شد؛ فرمانده‌ای که گویا قصه زندگی‌اش روی شما و مسیر نویسندگی‌تان هم تأثیر داشته است. در این باره برایمان بگویید.

مطالعه کتاب مسیح کردستان (داستان زندگی شهید بروجردی) تأثیر زیادی روی من داشت. خاطرم نیست چه سالی بود ،اما اولین بار که این کتاب را خواندم، چنان محو شخصیت شهید بروجردی شدم که دوست داشتم حتماً سفری به کردستان داشته باشم. شهید بروجردی دارای شخصیت خاصی بوده و نبوغ و متانت و از همه مهم‌تر ذکاوت از ویژگی‌های بارز این شهید است.

■ البته آن طور که در اخبار رسمی پروژه اشاره شده فیلمنامه «غریب» بر اساس منابع مستند و پژوهشی و دیگر اسناد تازه یافته، آماده شده و کتاب «محمد؛ مسیح کردستان» تنها منبع سازندگان این اثر سینمایی نیست. پیش از پرداختن به این مباحث برایمان بگویید وقتی قلم به دست گرفتید رویکردتان برای روایت متفاوت شخصیت شهدا چه بود؟

از همان وقتی که نویسندگی را شروع کردم با خودم قول و قرار گذاشتم که اگر قرار است شهیدی معرفی کنم، سراغ ویژگی‌های خاص، نبوغ و تخصص او بروم و این خاص بودن‌ها و چیزهایی را که باید دیده شود بنویسم، هرچند که باید تصویر و زندگی مذهبی شهید هم دیده شود اما به نظرم باید به مخاطب امروزی نشان بدهیم جوانی که روزگاری در جبهه و جنگ حضور داشته برای خودش یک متخصص یا دارای دانش و توانایی بوده که به جای نشستن پشت میز و... راه جهاد و مبارزه و در نهایت شهادت را برگزیده است.

■ اهمیت معرفی و به تصویر کشیدن قصه زندگی شهدایی مثل شهید بروجردی که از فرماندهان تأثیرگذار دفاع مقدس بود، چیست؟

نقل قول مشهوری از شهید آوینی وجود دارد که می‌گوید: «شهدا همین مردم کوچه و بازار و اهل مسجد هستند که تنها فرقشان با دیگران این است که مسیر درست را انتخاب کرده‌اند.» برای هر کسی که در حوزه معرفی شهدا چه در قالب فیلم و سریال یا کتاب و به طور کلی هنر فعالیت می‌کند این مسأله می‌تواند مورد توجه باشد که اگر قرار است کاری انجام دهیم باید بتوانیم همین چیزها را خوب نشان داده و به مخاطب انتقال دهیم.

■ فکر می‌کنید روایت‌های اینچنینی هنوز هم می‌تواند مخاطب را جذب کند؟

بله به شرط آنکه الگو و تصویر درستی از آنها بسازیم، نه اینکه آنقدر اغراق کنیم که به سمت مقدس‌سازی برویم و مخاطب امروز فکر کند که هرگز به مقام و درجه آن شهید نمی‌رسد، شهدا دست نیافتنی‌اند و ناامید شود،اگرچه شهدا آسمانی هستند و مقام والایی دارند اما باید کاری عرضه شود که اهل زمین هم شهید را به درستی بشناسند. روایت صحیح و صریح از زندگی ساده و بی آلایش شهدا بدون ورود به حریم خصوصی‌شان می‌تواند مخاطب را جذب کند.

■ به اعتقاد شما به چه نکته‌هایی در ساخت آثاری با این مضمون‌ها باید توجه کرد؟

اگر قرار است درباره بروجردی، همت، کاظمی و دیگر فرماندهان شهید دفاع مقدس فیلم یا سریالی ساخته شود باید روایت همین زندگی ساده و چگونگی ارتباط‌شان با آدم‌های دور و نزدیک‌شان از خانواده و همسایه گرفته تا دوستان و همرزمان باشد؛ نشان دادن این سادگی‌ها بسیار مهم است. باید شهید بروجردی را به عنوان یک الگو و در یک قاب زیبا به تصویر بکشیم و نشان دهیم چه خصوصیاتی داشته اند و از همه مهم‌تر اینکه چگونه می‌توانستند دیگران را جذب اخلاق و رفتار خودشان کنند.

■ در شرایطی که هالیوود و سینمای غرب برای عرضه قهرمان‌های پوشالی‌اش تلاش می‌کند، قهرمان‌های واقعی کشورمان تا چه میزان پتانسیل جذب مخاطب را دارند؟

نسل امروز خصوصاً نوجوانان و جوانان همذات‌پنداری برایشان شیرین است، خصوصاً وقتی قصه زندگی فرماندهان شهید را می‌شنوند یا بخشی از زندگی آنها برایشان روایت می‌شود. پیش خودش می‌گوید: «من هم می‌توانم این طور باشم» اما به شرطی که ما الگوی واقعی را معرفی کنیم، نه آن الگوی کلیشه شده و همیشگی را که تا به امروز دیده‌ایم. وقتی واقعیت‌ها را نشان دهیم، مخاطب با او همذات پنداری می‌کند و بعد باورش می‌کند. می‌فهمد که قهرمانان هالیوودی با عالمی که او دارد، تفاوت دارد، چون شهدا از یک فرهنگ، دین، زبان و مرز مشترک با او برخاسته‌اند. تنها کافی است که این قهرمان ایرانی را خوب معرفی کنیم. از اخلاق و رفتارش تا شجاعت و دلاوری‌هایش و حتی ترس‌ها و نگرانی‌هایش، اگر این گونه باشد قطعاً برای مخاطب باورپذیر است و مجذوب او می‌شود.

■ پس چرا آثار قابل توجه معدودی در حوزه فیلم و سینما درباره این قهرمانان واقعی داریم؟

اینکه چرا فیلم و سریال درباره فرماندهان بزرگی مثل شهید بروجردی، همت و... ساخته نشده یا کمتر به آنها پرداخته شده به محدودیت‌هایی برمی‌گردد که مسئولان و متولیان برای فیلمساز یا نویسنده و... ایجاد می‌کنند. بسیاری از کسانی که در مسند کار فرهنگی و هنری قرار گرفته‌اند، متاسفانه شناخت درستی از کار فرهنگی و هنری ندارند و تنها به دنبال تولید رزومه و آمار و ارقام تولیدات هستند تا کیفیت. وقتی به یک فیلمساز یا نویسنده اثری را سفارش می‌دهیم یا خودش بر اساس علاقه پا پیش می‌گذارد باید من به عنوان یک مسئول هم درک درستی از فضای جنگ و دفاع مقدس داشته باشم. جنگ نه به معنای مرزبندی‌های کلاسیک و توپ و خمپاره، بلکه شناخت از اختلاف نظری که با دشمن در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و... داشته‌ایم. در یک کلام باید میدان مبارزه را بشناسیم،اگر متولی یا نهاد مسئول، مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع را بشناسد، دست هنرمند را باز می‌گذارد. به تعبیری آنها مثل سربازانی هستند که باید اطلاعات درست و شناسایی خوبی داشته باشند.

■ برای جبران این کاستی‌ها و شاید غفلت‌ها چه باید کرد؟

باید درهای پژوهش در حوزه دفاع مقدس باز باشد، نه اینکه با ایجاد محدودیت‌ها و خط قرمزها، دست و پای هنرمند و نویسنده را ببندیم. وقتی تعریف درستی از واقعیت‌های جنگ وجود نداشته باشد، پژوهش مناسبی هم انجام نشود، خروجی کار هم به آن شکلی که باید باشد، نیست و حاصل کار، اثری هنری یا فرهنگی می‌شود که بر دل نمی‌نشیند و برای مخاطب هم قابل باور نیست، آن هم مخاطبی که گاهی به انبوهی از اطلاعات و آگاهی‌ها دسترسی دارد و می‌داند و می‌فهمد که نمی‌شود با یک اسلحه و تنهایی با یک لشکر و انبوهی از تانک‌ها و نفربرها مبارزه کرد. همان قدر که روایت دلاوری‌ها و شجاعت‌ها و ایمان و اعتقاد رزمندگان مهم است، نباید واقعیت دشمن تا بُن دندان مسلح را پنهان کرد. باید گفت که چرا جنگ ۸ سال طول کشید. متولی کار فرهنگی و هنری باید اجازه هد تا مسیر کار به درستی پیش برود، آن هم کاری که درباره شهداست اما گاهی آنقدر سنگ جلوی پای آدم‌ها می‌اندازند که طرف عطای کار را به لقایش می‌بخشد.

■ نقش فعالان فرهنگی چقدر مهم است؟

دغدغه ما همین کار فرهنگی است. ببینید حتی مقام معظم رهبری هم در یکی از سخنرانی‌هایشان به این موضوع اشاره داشتند: «زمانی که مباحث سیاسی و اقتصادی موضوعی مطرح است من به اندازه مسائل فرهنگی نگران نیستم. من به خاطر نگرانی‌های فرهنگی شب‌ها خواب به چشمم نمی‌آید. بلند می‌شوم و نگران هستم.» کافی است که ما این دغدغه را بفهمیم. بصیرت و دشمن شناسی داشته باشیم و فرصتی برای ارائه دغدغه‌هایمان داشته باشیم. این ارائه می‌تواند یک فیلم، یک کتاب یا هر محصول فرهنگی و هنری باشد،البته به یک خانه‌تکانی هم در حوزه فرهنگ نیاز داریم. این محرمانه‌ها و خط قرمزها را اگر تعدیل کنیم پیشرفت خوبی خواهیم داشت.

مصطفی رحماندوست در گپ و گفتی با «ایران» عنوان کرد

توانمندی برخی جوانان از ما قدیمی‌ترها نیز بیشتر است

گروه فرهنگی/ مصطفی رحماندوست نویسنده و شاعر کشورمان که در برپایی رویدادهای ادبی مختلفی به‌عنوان دبیر و داور حضورداشته به‌رغم تأکیدی که بر وجود برخی کاستی‌ها در ادبیات کودک و نوجوان معاصرمان دارد اما می‌گوید: «توانمندی برخی جوانان فعال در عرصه ادبیات حتی از ما که در زمره قدیمی‌های این عرصه قرار می‌گیریم هم بیشتر است.»

■ مسئولان تدبیری بیندیشند

رحماندوست با اشاره‌ای به وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در کشورمان، بر کاهش تعداد کتاب‌هایی که برای این گروه سنی روانه کتابفروشی‌ها می‌شوند خبر می‌دهد و می‌گوید: «متأسفانه تعداد کتاب‌های کودکی که چاپ می‌شوند نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشته است. در این بین شمارگان آثار نیز کاهش یافته و تعداد محدودی را شامل می‌شوند.»البته این پژوهشگر ادبیات که داوری و دبیری جشنواره‌های متعددی را برعهده داشته منکر آثار خوبی که در این عرصه منتشر می‌شوند نیست، ولی تأکید دارد که تا دستیابی به وضعیت مطلوب فاصله داریم. او ادامه می‌دهد: «به‌واسطه برخی همکاری‌هایی که با بخش‌های مختلف ادبیات کودک و نوجوان دارم می‌دانم که آثار خوبی در دست تولید یا آماده چاپ هستند اما ناشری که بتواند با حمایت از خالق اثر دست به انتشار آن بزند و در بخش فروش هم فعالیت خوبی داشته باشد، نداریم.»رحماندوست می‌گوید: «در عین حال قیمت آثار نیز افزایش یافته و همین سبب کاهش توان اقتصادی خریداران شده و از همین بابت ضروری است که مسئولان تدبیری بیندیشند تا وضعیت ادبیات کودک و نوجوان‌مان

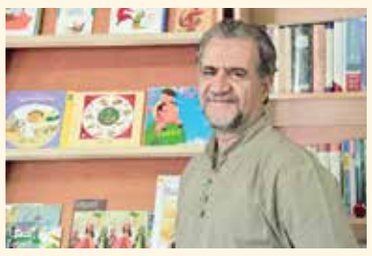

بهبود یابد. بنابراین در صورت تحقق این مسأله آن وقت است که می‌توان در انتظار فعالیت حرفه‌ای اهالی شعر و ادبیات برای کودکان و نوجوانان شد.»وی در بخش دیگری از سخنانش درباره وضعیت آثاری که از سوی جوانان روانه بازار نشر می‌شوند نیز تصریح می‌کند: «مشاهدات شخصی خود من از کلاس‌هایی که برپا می‌کنم مبنی بر این است که جوانان با قلم بسیار خوبی دست به خلق آثار خود می‌زنند. برخی از آنان حتی از افرادی نظیر من که سابقه‌ای طولانی در عرصه ادبیات داریم هم بهتر می‌نویسند و توانمندی بیشتری دارند. آنها تجربیات گذشتگان را مرور کردند و از آنها جلو می‌زنند. مسأله‌ای که وجود دارد این است که زمینه عرضه آثارشان کم است.»

■ کتابی خوب برای پیش دبستانی‌ها

رحماندوست در بخش دیگری از گفته‌هایش به کتاب «گربه یواش بگو میو»، مجموعه شعری از مریم هاشم‌پور که از سوی انتشارات سوره مهر(مهرک) روانه کتابفروشی‌ها شده هم اشاره می‌کند؛ رحماندوست که بر روند سرایش و انتشار این کتاب نظارت داشته آن را مجموعه شعری سرشار از پیام‌های خواندنی برای کودکان پیش دبستانی می‌داند.

وی در توضیحات بیشتری درباره این کتاب به «ایران» می‌گوید: «من بر این کتاب نظارت داشتم و نظراتم را به خالق اثر ارائه می‌دادم. این مجموعه شعر دربردارنده اشعار خوبی برای کودکان است و از همین بابت خرید آن را به والدین جوانی که دنبال آثار خوب برای فرزندان خود هستند، توصیه می‌کنم.»این نویسنده و شاعر ادامه می‌دهد: «یکی از ویژگی‌های قابل تأمل این کتاب را می‌توان به برخورداری‌اش از پیام‌هایی خواندنی برای بچه‌های پیش‌دبستانی اشاره کرد، معتقدم این گروه سنی از کودکان بیش از پیام به بازی نیاز دارند و بر این اساس «گربه یواش بگو میو»، کتابی خوب و دربردارنده هر دو مورد است.»او افزود: «این کتاب در عین حال که در اشعارش پیام‌های لطیفی دارد، از سویی به بازی و موسیقایی کلام نیز اهمیت ویژه داده است. همچنین تصویرگری آن نیز قابل تأمل است چرا که تصویرگر کوشیده بخشی از پیام‌های پنهانی شعر را به کمک تصاویر پیش روی بچه‌ها بگذارد. (گربه یواش بگو میو) را می‌توان در زمره آثاری دانست که در عین خوشخوان بودن دارای مفاهیم خواندنی است که بر روح کودکان می‌نشیند.»

۱ آغاز ۲ سریال جدید در شبکه ۳

پایان مسابقات فوتبال و خالی شدن جدول پخش، این فرصت را به شبکه سه سیما داده است که از شنبه سوم دی‌ماه پخش دو سریال جدید-یکی ایرانی و دیگری خارجی- را برای بینندگانش آغاز کند. سریال «لغزش» محصول کشور فرانسه ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه سه می‌رود. این سریال در ۶ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای با بازی اریک کانتونا پخش خواهد شد. آن‌طور که ایسنا گزارش داده «تمام رخ» به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری و کارگردانی محمود معظمی با موضوع تحریم و تروریسم اقتصادی دیگر سریال تازه این شبکه است. این سریال در ۳۰ قسمت هر شب ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. این سریال افرادی را به تصویر می‌کشد که شخصیت متزلزلی دارند و طمع پول زیاد، سبب می‌شود به خیانت و حتی وطن‌فروشی تن دهند. رحیم نوروزی، آرش آصفی، معصومه بافنده، احسان امانی، ویدا جوان، نگین صدق‌گویا، مهدی سلوکی، بهزاد خداویسی، کاظم هژیرآزاد و... بازیگران «تمام رخ» هستند.

۲ رشد ۹۱ درصدی مستندنگاری جایزه ادبی جلال

«رشد ۹۱ درصدی آثار مستندنگاری پانزدهمین جایزه ادبی جلال آل‌احمد»؛ این خبر را دبیر علمی پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد اعلام کرده است. به گفته وجیهه سامانی، در بخش «مستندنگاری» ۶۹۰ اثر به دبیرخانه جایزه رسید که نسبت به دوره گذشته با ۳۶۱ اثر رسیده، رشد ۹۱ درصدی را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات اعلام شده از سوی دبیر علمی این دوره جایزه، در بخش رمان و داستان بلند نیز ۱۵۰۸ اثر به دبیرخانه جایزه رسیده که نسبت به سال قبل رشد ۶۶ درصدی را تجربه کرده است. در این بخش از بین ۱۷۷ اثر راه یافته به مرحله دوم داوری، ۴ رمان به‌عنوان نامزدهای نهایی دریافت جایزه در این بخش معرفی شدند. همچنین در بخش داستان کوتاه، دبیرخانه جایزه ۴۰۱ اثر دریافت کرده که نسبت به سال قبل (۲۳۷ اثر) رشد ۶۹ درصدی داشته است. در این گروه ۱۰۰ اثر به مرحله دوم داوری راه پیدا کردند و در نهایت ۳ اثر به‌عنوان نامزدهای نهایی مشخص شدند.

۳ بازگشت «شبی در طهران» به صحنه

نمایش «شبی در طهران» که اجرای آن حدود یک ماه قبل در تئاتر شهرزاد به پایان رسید، قرار است از ۷ دی‌ماه با گروه بازیگران جدید به صحنه برود. شایان مستوفی کارگردان نمایش «شبی در طهران» درباره واکنش‌های منفی که نسبت به اجرای تئاترها وجود دارد به مهر گفته است: «این روزها شرایطی پیش آمده که خود هنرمندان مقابل هم قرار گرفته‌اند و با هم می‌جنگند. مردم باید بدانند که مثلاً چه آسیبی قرار است از اجرای یک تئاتر به آنها برسد در حالی که همین تئاتر می‌تواند فرهنگ‌سازی کند و مانند سینما دست به الگوسازی بزند.» نمایش «شبی در طهران» نوشته محمد چرمشیر است که با کارگردانی شایان مستوفی از ۷ دی تا ۱۰ بهمن‌ماه در پردیس تئاتر شهرزاد به صحنه می‌رود. بازیگران نمایش به ترتیب حرف الفبا عبارتند از: میترا اکبری، ابوالفضل حضرتی، نیلوفر ذوالفقاری، سارا سیرتی، شایان مستوفی، کارمانیا میراحمدی، کوروش محمدرضا، مهرزاد نیکنام و طاها نوری.